

کاربرد سیره پیامبر خدا ﷺ در فقه (مطالعه موردی استنادات ائمه علیهم السلام) به سیره پیامبر خدا ﷺ در احکام حج

هادی یعقوبزاده*
زهرا بهجتی پور*

چکیده

سیره پیامبر خدا ﷺ علاوه بر آنکه الگویی برای زندگی مسلمانان است، در مباحث فقهی نیز به عنوان حجت و دلیل مورد استناد قرار گرفته است؛ از این رو، ائمه علیهم السلام با استناد به سیره آن حضرت علاوه بر معرفی آن به عنوان الگوی عملی در زندگی انسان‌ها، به تبیین احکام فقهی نیز پرداخته‌اند. برای بررسی این موضوع، استنادات ائمه علیهم السلام به سیره پیامبر خدا ﷺ در برخی از مسائل حج مطالعه شد. پرسش اصلی پژوهش پیش رو این است که سیره پیامبر خدا ﷺ در بیان احکام فقهی حج از سوی ائمه علیهم السلام چه نقش و کاربردی داشته است؟ در راستای پاسخ به این پرسش، داده‌های مرتبط به روش کتابخانه‌ای گردآوری و با روش توصیفی و تحلیلی تبیین گردید. برآیند این تحلیل آن است که ائمه علیهم السلام در بیان برخی از احکام حج به سیره پیامبر خدا ﷺ استناد جسته و با این کار علاوه بر برجسته کردن حجیت فعل و سیره پیامبر خدا ﷺ، اتصال و یگانگی رفتار فقهی و عبادی خود را با سیره پیامبر خدا ﷺ

* . استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه هنر تهران / yaghoubzadeh@art.ac.ir
* . دانش‌پژوه سطح چهار تاریخ اهل بیت علیهم السلام، جامعه الزهراء علیها السلام، مدرس / zbehgaty@yahoo.com

اثبات کرده‌اند. این مسئله به تقویت جایگاه ائمه علیهم‌السلام در میان مردم کمک کرده و از سویی الگوی صحیح در عمل عبادی حج را به مردم نشان داده است. کلیدواژه‌ها: سیره پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، احکام حج، استنادات فقهی، ائمه علیهم‌السلام، سنت.

مقدمه:

بحث و بررسی درباره سیره پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از جمله موضوعاتی است که از دیرباز مورد توجه محققان و اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان بوده است. سیره پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نه تنها به عنوان الگویی برای زندگی مؤمنانه به شمار می‌آید، بلکه به عنوان یک منبع معرفتی و فقهی نیز مورد توجه بوده است. این ویژگی در استنادات ائمه علیهم‌السلام به سیره ایشان نیز دیده می‌شود. در واقع ائمه علیهم‌السلام علاوه بر اینکه سیره پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دستور عملی جامع و کامل برای زندگی مؤمنانه می‌دانستند، از آن به عنوان یک منبع فقهی نیز بهره می‌بردند. استناد به سیره پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ابواب مختلف فقه در روایات ائمه علیهم‌السلام دیده می‌شود؛ از جمله این ابواب، احکام حج است که امامان معصوم علیهم‌السلام در مواردی با استناد به سیره پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حکم فقهی یکی از فروع و مسائل حج را بیان کرده‌اند. این استنادات در عین آنکه تلاش برای معرفی سیره پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان یک حجت عملی و علمی است، نشان‌دهنده اتصال احکام فقهی ائمه علیهم‌السلام به سیره ایشان و یکی بودن این دو است؛ از این رو، نوشتار حاضر به دنبال آن است که استنادات فقهی امامان معصوم علیهم‌السلام در احکام حج به سیره پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مورد مطالعه و بازبینی قرار دهد تا نقش ممتاز ائمه علیهم‌السلام را در زنده نگه داشتن سنت نبوی مشخص نماید؛ بنابراین پژوهش حاضر به تمام ابعاد مسائل فقهی پرداخته، بلکه تنها تعدادی از مسائل حج را که در روایات امامان علیهم‌السلام به آنها پرداخته شده، مد نظر قرار داده است.

پیشینه پژوهش

به رغم بررسی‌ها، اثر مستقلی که به بررسی استنادات امامان علیهم‌السلام به سیره پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در احکام فقهی حج پرداخته باشد، یافت نشد. با این وجود در برخی از آثار به سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حج پرداخته‌اند که ارتباطی به موضوع حاضر ندارد. مانند مواردی که علی‌اکبر ذاکری در کتاب سیره عبادی معصومان در کتاب‌های چهارگانه شیعه، نشر پژوهشگاه علوم

۱. مفهوم‌شناسی

بررسی دقیق مسئله، نیازمند تعریف اصطلاحات پژوهش است؛ از این رو، به تناسب مسئله پژوهش حاضر، ضروری است مفاهیمی مانند سیره و سنت، که در فهم و تبیین مسئله دخالت بسزایی دارند، واکاوی شوند.

۱.۱ سیره:

سیره در لغت به معنای روش، راه، هیئت و سنت است (ابن منظور، بی تا، ج ۴، ص ۳۸۹ - ۳۹۰). این واژه در کاربرد قرآنی خود به معنای طریقه و روش (طه: ۲۱) آمده است. برخی نیز آن را به معنای هرحالتی، اعم از خوب و بد که انسان و غیر آن داشته باشد، گرفته‌اند. این حالت ممکن است فطری و اکتسابی باشد (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۴۳۳). بررسی منابع لغوی نشان می‌دهد که سیره بر روش یا حالتی اطلاق می‌شود که مداومت و استمرار داشته باشد. از این رو، به افعالی که ناخودآگاه از انسان سر می‌زند، یا رفتارهایی که دائمی نیست، سیره اطلاق نمی‌شود. معنا کردن سنت به سیره از آن رو که سنت تداوم یک امر را می‌رساند (جوهری، بی تا، ج ۵، ص ۲۱۳۹) مؤید این معناست.

بر مبنای همین معنای لغوی، مرتضی مطهری بر این باور است که آثار تاریخی مرتبط با سیره پیامبر ﷺ، بیانگر «سیر» زندگی ایشان هستند نه سیره آن حضرت.

و فرهنگ اسلامی، ذکر کرده است. بر همین اساس، می‌توان به کتاب سیره اهل بیت در حج نوشته محمدجواد جوادی، نشر مشعر، اشاره کرد که نویسنده در آن به ترسیم الگویی از سیره اهل بیت ﷺ در حج پرداخته، اما استنادات فقهی به سیره پیامبر خدا ﷺ در احکام حج را بیان نکرده است. این خلأ در کتاب همگام با پیامبر ﷺ در حجة الوداع، تألیف حسین واثقی، نشر دانش حوزه نیز وجود دارد. همچنانکه در مقاله «حج در سیره پیامبر ﷺ» (میقات حج، سال ۱۳۸۵ ش، شماره ۵۶) نوشته جواد محدثی نیز تنها به گزارش حج در سیره پیامبر ﷺ پرداخته شده و به کارکرد فقهی آن بیان نشده است؛ از این رو مسئله پژوهش حاضر تاکنون بررسی نشده و همین امر، موجبات انجام آن را در قالب پژوهش حاضر ضروری کرده است.

وی بر این باور است که سیره به معنای سبک، متد و اسلوب رفتاری پیامبر خدا ﷺ است که در آثار تاریخی اساساً به آن پرداخته نشده است؛ از این رو آنچه که در منابع تاریخی آمده، با مفهوم لغوی سیره همخوانی ندارد؛ زیرا نویسندگان این گونه آثار به رخدادهای عصر پیامبر ﷺ پرداخته‌اند. اما سبک و متد ایشان را بیان نکرده‌اند (مطهری، بی تا، ص ۴۶ - ۴۵)؛

بنابراین ترادف معنایی سیره با زندگی نامه حضرت رسول ﷺ (اسپوزیتو، بی تا، ۱۵۹)، ترادفی صحیح و مطابق با لغت عرب نیست. این ایراد بر تعریف اصطلاحی سیره نیز وارد است. در این تعریف، سیره بر آثاری اطلاق شده است که در آنها به آغاز اسلام، شرح احوال، تاریخ غزوه‌های پیامبر ﷺ و شرح حال ائمه علیهم السلام، راه و رسم ایشان در رفتار و گفتار و کیفیت موضع گیری در برابر وقایع و حوادث و رخدادهای پرداخته باشد (آینه‌وند، بی تا، ص ۱۷۵). این تعریف نیز بیشتر با نگاهی که پیش از این به سیره داشته‌اند، هماهنگ است و با تعریفی که مطهری با تکیه بر لغت عرب ارائه کرده، تطابق کامل ندارد؛ زیرا بر مبنای تعریف مطهری، سیره بر آثاری اطلاق می‌شود که در آنها سبک و متد عملی پیامبر خدا ﷺ استخراج شود، به گونه‌ای که بتوان بر مبنای آنها شخصیت رسول الله ﷺ را به درستی تحلیل کرد و در حوادثی که نظیر آن در عصر پیامبر ﷺ نبوده، با توجه به سبک ایشان، بتوان رفتار آن حضرت را تخمین زد. در واقع سیره یعنی منطبق عملی که بر مبنای آن می‌توان دیگر جزئیات رفتار فرد را تشخیص داد (یعقوب زاده، بی تا، ص ۲۹ - ۲۸).

۱.۲. سنت

سنت در لغت به راه و روش گفته می‌شود (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۴۲۹). همچنین این واژه بر عملی که استمرار و تداوم داشته باشد، اطلاق می‌گردد (ابن فارس، بی تا، ج ۳، ص ۶۱) این واژه در کاربرد قرآنی به معنای قوانین تغییرناپذیر خداوند آمده است: ﴿فَلَنْ نَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَا نَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ (فاطر: ۴۳). این قوانین در میان همه ملت‌ها و اقوام جاری است: ﴿وَرِإِنْ يَعْوَدُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ﴾ (انفال: ۳۸)، و تغییری در آن پدید نخواهد آمد: ﴿سُنَّةٌ مِّنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُّسُلِنَا وَلَا نَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا﴾ (اسراء: ۷۷).

این آیات نشان می‌دهد که نوعی تداوم در معنای سنت نهفته است که اتفاقاً در معنای لغوی آن نیز این خصوصیت وجود دارد. همچنین واژه سنت بر مجموعه‌ای از گفتار، کردار و تقریرات پیامبر ﷺ اطلاق می‌شود (طریحی، بی تا، ج ۲، ص ۲۶۹). سنت از مهم‌ترین منابع فقه است که شامل دستورات و احکام صادرشده از پیامبر ﷺ و امامان معصوم است (صدوق، بی تا، ص ۱۵۵). برخی رابطه میان سنت و سیره را عموم و خصوص مطلق می‌دانند و بر این باورند که سنت مفهومی اعم از سیره دارد؛ زیرا علاوه بر شمول آن نسبت به گفتار و تقریر، کردار رسول خدا ﷺ را نیز شامل می‌شود که در واقع سیره ایشان را شکل می‌دهد (عبدالمحمیدی، بی تا، ص ۲۹). در کنار گفتار، کردار و تقریر رسول خدا ﷺ، شیعه گفتار و سیره و تقریر امامان علیهم السلام را نیز در زمره سنت می‌داند. همچنانکه علمای اهل سنت، عمل صحابه را جزء سنت به حساب آورده‌اند (حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۱، ص ۵۱۰؛ همو، ج ۴، ص ۳۲۹). بنابراین، نسبت میان سنت و سیره، عموم و خصوص مطلق است و سنت مفهومی اعم نسبت به سیره دارد (عبدالمحمیدی، بی تا، ص ۲۹).

۲. جایگاه سیره پیامبر ﷺ در قرآن و روایات

درباره شناخت سیره پیامبر ﷺ، در فهم شریعت اسلام و آشنایی با معارف الهی شایسته است به آیات قرآن و روایات معصومین مراجعه شود.

۲.۱. سیره پیامبر ﷺ در قرآن

مطالعه در آیات قرآن کریم مبین این است که سیره پیامبر ﷺ یکی از راه‌های کشف شریعت و فهم معارف الهی شناخته شده، و پیروی از آن راه‌گشای بشریت در پیروی از دستورات الهی است که خداوند نیز بر آن تأکید کرده است. آیاتی که به عنوان دلیل بر این مطلب، قابل استنادند دو قسم هستند؛ در برخی از این آیات، خداوند اطاعت از رسول خدا ﷺ را امری الزامی و ضروری معرفی کرده که هر مسلمانی باید به آن ملزم باشد؛ مانند آنکه می‌فرماید: «کسی که رسول را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده [است]» (نساء: ۸۰). در این آیه اطاعت از رسول خدا ﷺ شرط و بایسته اصلی برای اثبات مطیع بودن فرد در برابر خدا دانسته شده است. در آیه‌ای دیگر

خداوند اطاعت از پیامبر ﷺ را زمینه‌ای برای جلب رحمت الهی می‌داند «از حکم خدا و رسول او فرمان برید! باشد که مشمول رحمت و لطف خدا شوید» (آل عمران: ۱۳۲). و در آیه‌ای دیگر اطاعت نکردن از رسول خدا ﷺ را به منزله کفر و فرمان‌ناپذیری در برابر خداوند گرفته است: «بگو خدا و رسول را اطاعت کنید اگر قبول نکردند بدانند که خدا کافران را دوست نمی‌دارد» (آل عمران: ۳۲). بر مبنای این آیات اطاعت از پیامبر ﷺ امری عام بوده که شامل اطاعت از گفتار و کردار ایشان و تأسی جستن به شیوه ایشان است (طباطبائی، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۱).

در برخی دیگر از آیات، رسول خدا ﷺ به عنوان الگویی نیک معرفی شده است که طبیعتاً این شیوه از معرفی بدان منظور است که شنوندگان را ترغیب به تبعیت و الگوگیری از ایشان کند. خداوند در آیه ۲۱ سوره احزاب و نیز آیه ۶ سوره ممتحنه رسول خدا ﷺ را به عنوان الگویی نیکو برای مردم معرفی می‌کند. تعبیر «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱) بر استمرار امکان الگوگیری از رسول خدا ﷺ در ادوار مختلف دلالت دارد (پیشین، بی تا، ج ۱۶، ص ۲۸۸).

۲.۲. سیره پیامبر ﷺ در روایات

یکی از نکات مهم و کلیدی در روایات ائمه اطهار اسوه و الگو بودن رسول خدا ﷺ در عرصه‌های مختلف زندگی است. امام علی علیه السلام بر امکان تبعیت از رسول خدا ﷺ و پیاده کردن دستورهای ایشان تأکید ورزیده است (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰، ص ۲۲۷). آن حضرت بر تبعیت از رسول خدا ﷺ و الگوگیری از ایشان تأکید ورزیده است؛ زیرا که شیوه و سنت ایشان بهترین راه هدایت و برترین سنت است (همان، خطبه ۱۱۰، ص ۱۶۳). آن حضرت الگوگیرنده از رسول خدا ﷺ را از محبوب‌ترین بندگان نزد خدا معرفی کرده است (همان، خطبه ۱۶۰، ص ۲۲۷). این موارد نشان از نقش محوری و تعیین‌کننده سیره پیامبر خدا ﷺ در زندگی مؤمنانه است؛ از این رو ائمه اطهار سعی داشتند که سیره پیامبر خدا ﷺ را زنده نگه داشته و برای برپایی آن تلاش کنند. همچنانکه امام حسین علیه السلام یکی از دلائل قیام خود را زنده کردن سیره پیامبر خدا ﷺ ذکر کرده است (ابن اعثم کوفی، بی تا، ج ۵، ص ۲۰). ائمه اطهار ابتدا

به پیاده‌سازی سیره پیامبر خدا ﷺ در زندگی شخصی توجه کرده (جعفریان، بی‌تا، ص ۳۰)، و اعمال عبادی خود را بر شیوه آن حضرت انجام می‌دادند (ر.ک: بلاذری، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۰). همچنانکه امام رضا علیه السلام زمانی که بنا بود در مرو نماز عید را اقامه کند، شرط کرد که آن را بر مبنای سیره و رویه رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام دهد (صدوق، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۱-۱۵۰). در واقع ائمه علیهم السلام با یادکرد مداوم از سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سعی داشتند که الگویی کامل و عملی در برابر مردم قرار دهند. با این وجود، کارکرد سیره به ارائه یک الگوی عملی محدود نبوده و در تبیین مباحث فقهی نیز راهگشا بوده است؛ از این رو امامان علیهم السلام در موارد متعددی با استناد به سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به بیان احکام شرعی پرداخته و سخنان خود را به سیره آن حضرت مستند کرده‌اند. آنان با این کار علاوه بر زنده نگه داشتن سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله شیوه صحیح عمل به احکام دین را به مردم یاد می‌دادند. علاوه بر این، استناد به سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله به مقبولیت و پذیرش عمومی ائمه علیهم السلام و فتاوی‌ای ایشان در میان مردم کمک می‌کرد (واسعی و دیانی، بی‌تا، ص ۱۴۸). به منظور تبیین این بحث، در ادامه به مطالعه موردی استنادات ائمه علیهم السلام به سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در احکام حج پرداخته خواهد شد. انتخاب موضوع خاص در این بررسی، برای جلوگیری از پراکندگی در مباحث و ایجاد یک وحدت رویه در سرتاسر مقاله است.

۳. کارکرد سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در استنباطات فقهی

بحث از کارکرد سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در فقه از جمله مباحثی است که از دیرباز در میان علما و دانشمندان اصول و فقه مطرح بوده است. شیخ طوسی (د. ۴۶۰ق) در باب هشتم از ابواب *العده* بحث مفصلی درباره افعال پیامبر صلی الله علیه و آله، معنای تأسی به آن حضرت صلی الله علیه و آله و دلالت سیره ایشان مطرح کرده است (طوسی، ۱۳۸۶، ج ۲، صص ۵۹۰ - ۵۶۱). محقق حلی در *معارض* (محقق حلی، بی‌تا، ۱۶۷)، و علامه حلی در *مبادی الأصول* (علامه حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۰) و سایر متأخرین نیز در کتاب‌های خود فصل مستقلی را درباره افعال پیامبر صلی الله علیه و آله و دلالت‌های آنها گشوده‌اند و در رویکردی همگرایانه بر نقش آن در استنباط حکم شرعی تأکید کرده‌اند. در دوره معاصر نیز

اصولیون به این موضوع پرداخته‌اند (حکیم، بی تا، ص ۱۹۲ - ۱۹۵؛ مظفر، بی تا، ج ۲، ص ۵۱۳ - ۵۱۹؛ صدر، بی تا، ج ۴، ص ۲۳۳-۲۴۸). البته به نظر می‌رسد کاوش درباره نقش و جایگاه سیره پیامبر خدا ﷺ در استنباطات فقهی جای کار داشته و این موضوع هنوز دارای ابعاد ناشناخته‌ای است که باید در مباحث اصولی بیشتر به آن پرداخته شود.

در کنار اصول فقه، در مباحث فقهی نیز بر نقش و جایگاه سیره پیامبر خدا ﷺ تأکید شده است. شیخ مفید در باب فضیلت سحری خوردن برای روزه گرفتن، بر سنت بودن آن تأکید کرده و دلیل این امر را مخالفت با یهود و اقتدا به پیامبر خدا ﷺ دانسته است (مفید، بی تا، ۳۱۶). همچنانکه شیخ طوسی در باب عدم جواز جمع بین دو نماز جمعه در یک شهر به سیره پیامبر ﷺ استناد می‌جوید که جز در یک مکان، نماز جمعه برگزار نمی‌کرد. او با استناد به روایت نبوی: «صَلُّوا کَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»؛ نماز بخوانید، به همان شیوه‌ای که می‌بینید من می‌خوانم» اقتدا به پیامبر ﷺ را در این خصوص واجب می‌داند (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۶۲۹).

حلبی نیز در باب حج تأکید می‌کند که باید در روز عرفه تا هنگام زوال خورشید تلبیه گفت و وقتی حاجی به عرفه رسید، باید خیمه‌اش را نزدیک مسجد نمره بر پا کند. او دلیل این حکم را اقتدا به پیامبر ﷺ ذکر کرده است (حلبی، بی تا، ص ۲۱۳). همچنانکه ابن ادریس نیز با استناد به سنت رسول خدا ﷺ بر این حکم تأکید می‌کند که اگر شخص بخواهد از منا خارج شود مستحب است در مُحَصَّب (مکانی میان جمره عقبه و مکه) توقف کند (ابن ادریس، ج ۱، ص ۵۹۲). این شیوه از استناد به سیره پیامبر خدا ﷺ، در میان متأخرین از فقها نیز استمرار پیدا کرده است؛ به عنوان نمونه، علامه حلی در مقام اثبات افضل بودن دفن اموات در قبرستان نسبت به دفن آنها در خانه (بی تا، ج ۱، ص ۱۳۳)، و نیز استحباب نماز در کفش عربی (بی تا، ج ۲، ص ۴۹۸) بر سیره پیامبر تأکید کرده‌اند. همچنانکه شهید اول برای کفشی که پوشیدن آن مطلوب است به سیره پیامبر خدا ﷺ استناد می‌جوید (بی تا، ج ۳، ص ۷۳).

در منابع فقهی اهل سنت نیز بر اهمیت و نقش سیره پیامبر خدا ﷺ در استنباط حکم شرعی تأکید شده است. ابن مُنْذِر، از فقهای مذهب حنفی، در باب جهاد، بهره‌گیری از

دیده بان و نیروی اطلاعاتی را به دلیل آنکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در جریان صلح حدیبیه از آن بهره گرفته بود، ضروری می داند (بی تا، ج ۲، ص ۴۵۴). سرخسی از دیگر فقهای حنفی، پذیرفتن دعوت غلامان را، به دلیل عمل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه، جایز می داند (بی تا، ج ۳، ص ۲۵).

در فقه مالکی نیز می توان به مواردی اشاره کرد که سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مبنای حکم فقهی قرار گرفته است. نقل شده است که مالک بن انس سواره بودن در تمام مناسک حج را به دلیل اقتدا به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله مستحب دانسته است (رعینی مالکی، بی تا، ج ۲، ص ۵۴۰). همچنانکه خرسی مالکی نیز نوشتن بسم الله و حمد و صلوات در ابتدای نامه ها را به دلیل اقتدا به رسول خدا صلی الله علیه و آله مستحب می داند (بی تا، ج ۱، ص ۳۲).

ماوردی، از فقهای مذهب شافعی، از شافعی نقل می کند که به دلیل آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از رفع کسالتی که داشت غسل کرد، غسل پس از بیهوشی در صورتی که فرد جنب نشده باشد، مستحب است (بی تا، ج ۱، ص ۱۸۳). ابن قدامه، از فقهای مذهب حنبلیه، نیز در حکم به جواز نماز میت بر شخص غایب، به اقامه نماز توسط پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه پادشاه حبشه استناد جسته است (بی تا، ج ۲، ص ۳۸۲).

بنابراین، چه در فقه شیعه و چه در مذاهب فقهی اهل سنت، استناد به سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یکی از منابع مهم برای صدور حکم فقهی است. این سنت مبتنی بر حجیت کردار رسول خدا صلی الله علیه و آله است که جریان های فقهی شیعه و اهل سنت به آن باور دارند. در میان شیعیان، روش ائمه علیهم السلام در استناد به سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان احکام فقهی دلیل دیگری بر اهمیت این کار است که در ادامه به تبیین آن پرداخته خواهد شد.

۴. استنادات ائمه علیهم السلام به سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان احکام حج

بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله تفاوت هایی در انجام اعمال حج از سوی مسلمانان به وجود آمد. به مرور زمان، دایره این تفاوت ها گسترده تر شد، به طوری که تشخیص حج واقعی و حجی که رسول الله صلی الله علیه و آله ارائه کردند، سخت و مشکل شده بود. از این رو، ائمه به منظور نشان دادن اتصال و یگانگی فقه خود با عمل و سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به سیره آن حضرت استناد می جستند. طبیعی بود شیعیانی که جایگاه امامت امام را قبول

داشتند، چندان نیازی به این گونه استنادات نداشتند؛ زیرا آنان به یگانگی احکامی که ائمه علیهم السلام می فرمودند با سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باور داشتند، اما در مواجهه با عموم جامعه ضروری می نمود که سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیان شود تا الگوی عملی و حقیقی حج بر مبنای سیره ایشان تبیین گردد. این استناد به توسعه کاربرد و کارکرد سیره از حیثه رفتارهای فردی به حیثه احکام فقهی نیز منجر می شد.

آنچه که در ادامه می آید نمونه‌ای از استنادات ائمه علیهم السلام به سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان احکام حج است که بیانگر توجه و اهتمام آنان به سیره آن حضرت است.

۱ - ۴. لباس احرام

یکی از واجبات حج پوشیدن لباس احرام است. امام صادق علیه السلام به منظور بیان موارد جواز در لباس احرام به سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله استناد جسته و تأکید می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در پارچه‌ای یمانی محرم شد و در آن نیز تکفین گردید (کلینی، بی تا، ج ۴، ص ۳۳۹). این روایت در واقع محدودکننده همه موارد جواز لباس احرام نیست، بلکه در واقع یک نوع از آن را بیان کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله همان را به عنوان لباس احرام انتخاب کرده بودند.

۲ - ۴. چگونگی تلبیه و مکان محرم شدن

کیفیت تلبیه یکی از اموری است که در میان فقها بحث شده و در این جهت که آیا لفظ «لیک» به جمله «لا شریک لک» باید افزوده شود، اختلاف نظر وجود دارد و برای آگاهی از آن می توان به منابع فقهی مراجعه کرد. امام صادق علیه السلام در مقام بیان کیفیت تلبیه به رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله استناد کرده و می فرماید: «زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله به منطقه بیداء رسید با صدای بلند شروع به تلبیه نمود و فرمود: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ» (قاضی نعمان، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۲؛ صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۵)؛ از این رو، امام بر این رویه تأکید می کند که «لیک» با «لا شریک له» باید همراه باشد.

درباره مکان احرام نیز امام صادق علیه السلام به سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله استناد جست. آن حضرت در پاسخ به این سؤال که از کدام مکان باید محرم شد، جعرانه را مکان

احرام اعلام کردند؛ به این دلیل که رسول خدا ﷺ از این مکان محرم شده بود (کلینی، بی تا، ج ۴، ص ۳۰۲). در واقع امام برای بیان حکم شرعی به سیره پیامبر خدا ﷺ استناد می‌جوید.

۳ - ۴. استظلال در حال احرام

در روایتی از ملاقات ابویوسف با امام موسی کاظم علیه السلام در بحث حج، درباره یک مسئله فقهی پرسش و پاسخی صورت می‌گیرد. ابویوسف درباره استظلال مُحَرَّم (زیر سایه رفتن) در بالای محمل و در خیمه از امام علیه السلام می‌پرسد و امام علیه السلام با استناد به سیره نبوی صلی الله علیه و آله استظلال در مسیر را جایز ندانسته، و به جواز آن در خیمه، خانه و زمان توقف حکم می‌کند (کلینی، بی تا، ج ۴، ص ۳۰۹؛ طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۳۱؛ حر عاملی، بی تا، ج ۱۲، ص ۵۲۱).

۴ - ۴. استلام رکنین قبل از طواف و در حین طواف

یکی از موارد استناد ائمه علیهم السلام به سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در احکام حج، استلام (لمس کردن و بوسیدن) حجرالاسود است. امام صادق علیه السلام در پاسخ به فردی که از استلام حجرالاسود پرسیده بود، بر انجام آن تأکید ورزیده و در این باره به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله استناد می‌کند (کلینی، بی تا، ج ۴، ص ۴۰۹). در مواردی در هنگام انجام اعمال حج برای انجام برخی از امور ائمه علیهم السلام سؤال می‌شد؛ همچنانکه از امام صادق علیه السلام در حال طواف درباره مسح رکن یمانی و حجرالاسود و مسح نکردن دو رکن دیگر سؤال شد و آن حضرت به سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله استناد جسته و عمل خود را مطابق با عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی کرد (شیخ صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۴۲۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۳۴). امام صادق علیه السلام در این روایت با عبارت «كَلَّمَا مَرَّ بِهَا فِي الطَّوَّافِ»؛ «هر گاه در حال طواف از کنار آنها عبور می‌کرد» (قاضی نعمان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۱۲)، نشان داده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر مرحله از طواف، مسح دو رکن یمانی و حجرالاسود را انجام می‌داد. گزارش‌ها حاکی از آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله در حجة الوداع، در حالی که بر شتر عضبای خود سوار بودند، طواف کرده و هر بار با عصای خود ارکان را استلام نموده و سپس عصا را می‌بوسیدند (کلینی، بی تا، ج ۴، ص ۴۲۹).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که به دلیل انتساب ائمه علیهم‌السلام به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، انتظار مردم از ایشان این بوده که بر مبنای سیره آن حضرت عمل کنند؛ از این رو وقتی امام صادق علیه‌السلام در یکی از طواف‌هایش از خانه خدا، عمل استلام را انجام نداد، از سوی سفیان ثوری مورد سؤال قرار گرفت که چرا سیره پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را ترک کردی؟ حضرت به ازدحام جمعیت اشاره کرده و تأکید کرد که مایل نبودم کسی را به خاطر انجام این عمل به سختی بیاندازم (همان، بی‌تا، ص ۴۰۴-۴۰۵). ترک یک عمل مستحبی از سوی امام برای جلوگیری از اذیت شدن مردم، نشان از توجه امام به حقوق آنان دارد. مردم نسبت به جایگاه امام معرفت چندانی نداشته و بر خلاف مردم زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، که راه را برای ایشان باز می‌کردند، مردم زمان امام صادق علیه‌السلام راه را برای ایشان باز نکردند تا ایشان بتواند عمل استلام را انجام دهد (همان)؛ از این رو امام به جهت اینکه مردم اذیت نشوند، انجام این عمل مستحبی را ترک کرد.

۵- ۴. نماز در منا

یکی از اعمال حج، خواندن نماز در منا است که ائمه علیهم‌السلام در بیان احکام آن به سیره پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استناد می‌جستند. در خصوص قصر خواندن نماز در منا، فقهاء حکم به لزوم آن داده‌اند. دلیل آنان این است که امام باقر علیه‌السلام لزوم قصر را مطابق با سیره رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دانسته‌اند. امام باقر علیه‌السلام در این باره می‌فرمود: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سه روزی که در منا بود نماز را شکسته می‌خواند. در دوران خلفا نیز همین شیوه مرسوم بود و عثمان تا شش سال به همین شیوه عمل می‌کرد، ولی بعد از شش سال، نماز را در منا به صورت تمام اقامه می‌کرد. روزی در منا بعد از خواندن نماز ظهر مریض شد و فردی را نزد امام علی علیه‌السلام فرستاد و از ایشان خواست تا نماز عصر را اقامه کند. امام علیه‌السلام اقامه نماز را مشروط کرد اینکه به مانند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نماز را شکسته بخواند (همان، بی‌تا، ص ۵۱۸؛ علوی عاملی، بی‌تا، ج ۳، ص ۶۳۹)، اما عثمان نپذیرفت و به رغم تکرار درخواست، حضرت بر رعایت سنت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تأکید ورزید و در نهایت خلیفه سوم خود نماز را به صورت تمام اقامه کرد (کلینی، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۱۸). روایت فوق بیانگر آن است که در زمان عثمان تغییری در اعمال حج رخ داد و آن اینکه نماز در منا، که در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حتی تا سال ششم خلافت عثمان شکسته خوانده شد، به فرمان عثمان تمام خوانده می‌شد. همچنین روایت فوق اهتمام امام علی علیه‌السلام را

در حفظ سنت رسول خدا ﷺ و نیز یگانگی و اتصال فقه اهل بیت با فقه رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد. البته برخی دیگر از اصحاب رسول خدا ﷺ نیز با این تغییر مخالف بودند؛ همچنانکه گفته شده است عبدالله بن مسعود برای بدعتی که عثمان در تمام خواندن نماز در منا ایجاد کرد، کلمه استرجاع (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) را جاری نمود. وی بر این باور بود که دو رکعت نماز بهتر از چهار رکعت در نزد خداوند است (بخاری، بی تا، ج ۲، ص ۴۳؛ مسلم، بی تا، ج ۱، ص ۴۸۳).

همچنین، برخی از فقها، از جمله فقهای شافعیه، نیز بر این باورند که پیامبر ﷺ سه روزی که در منا بودند نماز را قصر می‌خواندند (شافعی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۵؛ ماوردی، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۱). مالک بن انس نیز به سیره پیامبر ﷺ و شیخین در شکسته خواندن نماز در منا استناد جسته است (مالک بن انس، بی تا، ج ۱، ص ۴۰۲).

۶ - ۴. حلق در منا

یکی دیگر از استنادات ائمه به سیره پیامبر ﷺ، دفن موهای حلق شده در منا است که در سیره معصومین روایت شده است. امام صادق علیه السلام در روایتی به عمل امام سجاده علیه السلام مبنی بر دفن موها در منا اشاره کرده و بر این نکته تأکید کرده که عمل ایشان برگرفته از سنت پیامبر ﷺ است (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۲۴۲؛ حرعاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۲۲۰)؛ از این رو امام صادق علیه السلام خروج موها از منا را نمی‌پسندیدند و به هر کسی که آن را خارج می‌کرد می‌فرمودند که برگرداند.

بر مبنای سیره پیامبر خدا ﷺ، امام حسن و امام حسین علیه السلام نیز امر می‌کردند که موهایشان در منا دفن شود (حمیری، بی تا، ص ۱۴۰). این یک عمل مستحبی است، اما اهتمام ائمه با پیروی از سیره پیامبر خدا ﷺ را نشان می‌دهد که حتی در انجام مستحبات بر پیروی از سیره پیامبر خدا ﷺ اهتمام داشتند؛ از این رو، برخی از فقها، مانند عاملی در مدارک (بی تا، ج ۸، ص ۹۷)، محقق سبزواری در ذخیره المعاد (بی تا، ج ۲، ص ۶۸۲) و طباطبایی در ریاض (بی تا، ج ۶، ص ۴۷۸)، به استحباب دفن کردن موها در منا فتوا داده‌اند.

نتیجه‌گیری

سیره پیامبر خدا ﷺ نه تنها الگویی برای زندگی مؤمنانه به شمار می‌آید، بلکه به عنوان یک منبع معرفتی و فقهی نیز ایفای نقش می‌کند؛ همچنانکه در مباحث اخلاقی رفتاری و نیز تبیین سبک زندگی یکی از منابع مهم به شمار می‌آید. این موضوع در استنادات ائمه علیهم‌السلام به سیره ایشان در مباحث فقهی و غیر آن دیده می‌شود. از جمله موضوعات فقهی، احکام حج است که امامان معصوم علیهم‌السلام در موارد متعددی با استناد به سیره پیامبر خدا ﷺ حکم فقهی یکی از فروعات و مسائل حج را بیان کرده‌اند. این استنادات در عین آنکه تلاش برای معرفی سیره ایشان به عنوان یک حجت عملی و علمی است، نشان‌دهنده اتصال احکام فقهی ائمه علیهم‌السلام به سیره ایشان و یکی بودن این دو است.

مطالعه موردی موضوع حج نشان داد که ائمه علیهم‌السلام در موضوعاتی همچون لباس احرام، چگونگی تلبیه و مکان محرم شدن، استظلال در حال احرام، نماز و حلق در منا به سیره پیامبر خدا ﷺ استناد جسته و نحوه عملکرد ایشان را بیان کرده‌اند. موارد فوق هر چند در برابر احکام حج، جزئی از کل به حساب می‌آید، اما بیانگر یک رویکرد است و آن اینکه ائمه علیهم‌السلام به دنبال شناساندن سیره پیامبر خدا ﷺ به جامعه‌ای بودند که به دلائل مختلفی از سیره حقیقی آن حضرت دور شده بود.

از سوی دیگر، ائمه علیهم‌السلام با این کار اتصال فقه اهل بیت علیهم‌السلام با فقه رسول خدا ﷺ را به اثبات می‌رسانند؛ از این رو، در مواردی که حکمی از رسول خدا ﷺ نقل نشده بود، ائمه علیهم‌السلام به عنوان وارثان و جانشینان رسول خدا ﷺ به بیان آن حکم پرداخته و در واقع تکلیف مکلفان را روشن می‌کردند.

نکته مهم آنکه، این پژوهش به اقتضای محدودیتی که داشت، تنها به یکی از موضوعات فقهی پرداخت؛ چرا که بررسی همه استنادات ائمه علیهم‌السلام در موضوعات مختلف فقهی به سیره پیامبر خدا ﷺ در این مجال نمی‌گنجد.

به بیان دیگر، می‌توان در موضوعات فقهی همین شیوه را به کار بست و با بررسی استنادات ائمه علیهم‌السلام به سیره پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم میزان یگانگی فقه ائمه علیهم‌السلام با فقه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را روشن تر کرد.

منابع:

- *. قرآن کریم، ترجمه المیزان.
- *. نهج البلاغه، نسخه صبحی صالح.
- ۱. آیینهنود، صادق (۱۳۸۸)، سیره نبوی و سیره‌نگاران، تهران، خانه کتاب، چاپ اول.
- ۲. ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، محقق: حسن بن احمد موسوی و ابو الحسن بن مسیح، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۳. ابن أعثم، احمد بن اعثم کوفی (۱۹۹۱/۱۴۱۱)، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء.
- ۴. ابن سعد، محمد (۱۴۱۰)، الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۵. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (بی‌تا)، الانتفاء فی فضائل الثلاثة الأئمة الفقهاء، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۶. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴) معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الأعلام الإسلامی.
- ۷. ابن قدامه، عبد الله بن أحمد (۱۹۶۸)، المغنی لابن قدامة، مکتبة القاهرة.
- ۸. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷)، البدایة و النهایة، بیروت، دارالفکر.
- ۹. ابن منذر نیشابوری، محمد بن ابراهیم (بی‌تا)، الاقناع، تحقیق الدكتور عبدالله بن عبدالعزیز الجبرین، بی‌جا، بی‌نا.

۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق.)، لسان العرب، محقق جمال الدین میردامادی، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صار.
۱۱. اسپوزیتو، جان ال (۱۳۹۱ش.)، دایرةالمعارف جهان نوین اسلام، ترجمه، تحقیق و تعلیق: حسن طارمی، محمد دشتی و مهدی دشتی، تهران، معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲)، الصحيح، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، بی جا، دار طوق النجاء.
۱۳. بلاذری، احمد بن محمد بن یحیی، أنساب الاشراف، تصحیح: محمد باقر محمودی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴/۱۹۷۴.
۱۴. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین خسروجردی (۱۴۲۴)، سنن الکبری، محقق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۵. جعفریان، رسول (۱۳۹۷)، گزیده حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (علیهم السلام)، قم، دفتر نشر معارف.
۱۶. جوادی، محمد جواد، (۱۳۰۳)، سیره اهل بیت (علیهم السلام) در حج، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری مشعر.
۱۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷)، الصحاح، تحقیق: احمد عبدالغفور العطار، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۸. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۰۴)، المدخل إلى الصحيح، تحقیق: ربیع هادی عمیر المدخلی، بیروت، مؤسسة الرساله.
۱۹. حکیم، محمد تقی بن محمد سعید (۱۴۱۸)، الأصول العامة فی الفقه المقارن، قم، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام).
۲۰. حلبی، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳)، الکافی فی الفقه، تحقیق: رضا استادی، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (علیهم السلام).
۲۱. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳)، قرب الإسناد، قم، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام).
۲۲. خرشی مالکی، محمد بن عبدالله (بی تا)، شرح مختصر خلیل للخرشی، بیروت، دار الفكر للطباعة.

۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.
۲۴. رافعی قزوینی، عبد الکریم بن محمد (بی تا)، فتح العزیز بشرح الوجیز، بی نا، دار الفکر.

۲۵. رعینی مالکی، محمد بن محمد (۱۴۱۲)، مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل، بی جا، دارالفکر.

۲۶. سرخسی، محمد بن احمد بن ابی سهل (بی تا)، المبسوط، بیروت، دار المعرفه.

۲۷. شافعی، محمد بن ادريس (۱۳۹۳)، الأم، بیروت، دار المعرفه.

۲۸. شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۹)، ذکرى الشیعه فی أحكام الشریعه، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۲۹. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۳۰. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۸۵)، علل الشرائع، قم، کتابفروشی داوری.

۳۱. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۷۸)، عیون أخبار الرضا علیهم السلام، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.

۳۲. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۴۰۳)، معانی الأخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۳۳. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۳۴. صدر، محمد باقر (بی تا)، بحوث فی علم الأصول، بیروت، الدار الاسلامیه، بی تا.

۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۳۶. طباطبایی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸)، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، تحقیق: محمد بهره مند، محسن قدیری، کریم انصاری و علی مروارید، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۳۷. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، مصحح: احمد حسینی

اشکوری، تهران، انتشارات مرتضوی.

۳۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، الخلاف، تحقیق علی خراسانی، سیدجواد شهرستانی، مهدی طه نجف، مجتبی عراقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷)، العدة فی أصول الفقه، محمدتقی علاقبندیان، قم، بی نا.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تحقیق: سیدمحمدتقی کشفی، تهران، المكتبه المرتضوية لإحياء الآثار الجعفریه.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحكام، حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۴۲. عاملی، محمد بن علی موسوی (۱۴۱۱)، مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الاسلام، تحقیق مؤسسة آل البيت علیهم السلام، بیروت، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۴۳. عبدالمحمدی، حسین (۱۳۹۰)، درآمدی بر سیره اهل بیت علیهم السلام، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.
۴۴. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰)، تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیه، تحقیق ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۴۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق)، تذکرة الفقهاء، تحقیق مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۴۶. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۴ق)، مبادئ الأصول إلى علم الأصول، قم، المطبعة العلمیه.
۴۷. علوی عاملی، احمد بن زین العابدین (۱۳۹۹)، مناهج الأخیار فی شرح الإستبصار، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۴۸. غفاری، علی اکبر (۱۳۶۹)، تلخیص مقیاس الهدایة لعبدالله مامقانی، تهران، نشر صدوق.
۴۹. قاضی نعمان، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵)، دعائم الإسلام، محقق آصف فیضی، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامیه.

۵۱. مالک بن انس (۱۴۰۶)، الموطأ، تصحيح: محمدفؤاد عبدالباقي، بيروت، دار احياء التراث العربي.

۵۲. مالکی، محمد بن محمد (۱۴۱۲)، مواهب الجليل في شرح مختصر خليل، بی جا، دارالفکر.

۵۳. ماوردی، علی بن محمد (۱۴۱۹)، الحاوی الكبير في فقه مذهب الامام الشافعی (و هو شرح مختصر المزنی)، تحقیق: شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبد الموجود، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۵۴. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۲۳)، معارج الأصول، لندن، موسسه امام علی علیه السلام.

۵۵. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۲۴۷)، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام.

۵۶. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳)، کفایة الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۵۷. مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج قشیری (بی تا)، الصحیح، تحقیق محمد فؤاد الباقي، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۵۸. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، سیری در سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا.

۵۹. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۷)، أصول الفقه، قم، بوستان کتاب.

۶۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان العکبری (۱۴۱۳)، المقنعه، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

۶۱. نسائی، احمد بن شعیب بن علی (۱۳۴۸/۱۹۳۰)، سنن نسائی، بیروت، دار الفکر.

۶۲. نووی، یحیی بن شرف (۱۴۰۷)، صحیح مسلم بشرح النووی، بیروت، دار الکتب العربی.

۶۳. واسعی، سید علیرضا و محمد شمس الدین دینانی (۱۳۸۶)، در آمدی بر روش های تبلیغی ائمه علیهم السلام، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۶۴. یعقوب زاده، هادی، رساله دکتری (۱۳۹۶)، رویکردهای سیره‌نگاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به وسیله شیعیان از ابتدای عصر پهلوی تا عصر حاضر (۱۳۰۴-۱۳۸۵ ش)، «دفاع شده در دانشگاه شهید بهشتی، تهران.



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی